

کلام جدید

دین: اکتسابی یا فطری؟



است یا نه، و جز این راهی نداریم که بگوئیم در برابر انسان یک بعد جدیدی باز شده که با ابعاد پیشین او مغایر می‌باشد و با دارا شدن این بعد جدید دارنده اموری شده است. پس فرق نمی‌کند که ما انسان را دارای یک بعد جداگانه از ابعاد وجودی حیوان یا گیاه دانسته و او را از نظر نسلی به حیوانات مربوط کنیم یا اینکه او را منتخب بخلق جداگانه‌ای بدانیم و باید دید که در انسان چه چیزهایی هست که در دیگران وجود ندارد و اواز آنها یک گونه خاص مخصوص بخود دارد و یا اینکه انسان چه دارد که باوراثت قابل توجهی نیست.

در انسان بسیاری از چیزهاست که با ابعاد پیشین قابل توجه نیست و آن بعد جدید همانست که خداوند اترار روح و امر ربی میداند و یکی از تفاوت‌های بسیار اساسی انسان تفاوتی است که انسان در ناحیه شناخت در قسمت علم با هر حیوان دیگر دارد. شما اگر در این زمینه به نظریات سطحی دیگران نظری بیافکنید مسأله را

در شماره پیش به فرق بین امور اکتسابی و سرشتی پرداختیم و گفتیم که امری سرشتی اولاً قابل از بین بردن نیست و ثانیاً در جامعه تعادل ایجاد می‌کند و بعد گفتیم که این امر در دین مصداق دارد. و بطور کلی در شماره‌های قبل در رد اکتسابی بودن دین صحبت کردیم و اکنون می‌خواهیم بگوئیم که چرا دین غیر اکتسابی است.

چرا دین غیر اکتسابی است؟

تاکنون نظریاتی را که به اکتسابی بودن دین قائل بودند مطرح کرده و آنها را رد نمودیم، اکنون میخواهیم ثابت کنیم که بجهه دلیل دین غیر اکتسابی است و اصلاً سابقه اکتسابی بودن هم ندارد، برای اثبات این مسئله از دودلیل استفاده میکنیم، اول دلیل زیست‌شناسی - دوم، دلیل فلسفی.

۱- دلیل زیست‌شناسی:

که این دلیل مربوط به امر وراثت میشود یعنی ممکن است که علم وراثت در زیست

انسان از نظر آرزویک ظرفیت نامحدودی دارد پس این ظرفیت نامحدود حکایت از بعد بی نهایت انسان میکند که نتیجه میشود که انسان یک بعد جدیدی دارد که گنجایش آن، غیر از گنجایش محدود مادی است.

بوده است و بعضی‌ها مثل جان لاک و غیره... مسأله را ساده گرفته و گفتند که در ذهن انسان هیچ چیز نیست مگر اینکه از راه حواس به ذهن اورسیده است سپس فلاسفه نقادگری هم پیداشدند و یک یک عناصر ذهنی را بررسی کردند و دیدند که بطور کلی، تمام علوم انسانی اینطور نیست، بلکه برخی از آنها از راه حواس در ذهن وارد شده.

و برخی دیگر خارج از حواس و مفاهیمی از

جهاد

خیلی ساده میگیرند، در حالیکه مسأله شناخت خیلی عمیق تر و عظیم تراز این سخنان است. خوشبختانه در اروپا یک سیر علمی پدید آمد و راه ارزنده‌ای را طی کردند، یعنی از جمله کارهایی که شد این بود که منابع علمی انسان را بدست آورند و از این راه بدانند که انسان دانسته‌هایش را از کجا بدست آورده است در مرحله اول همان اروپائیان متوجه قوانین شدند و گفتند که انسان هرچه را که آموخته از راه حواس

شناسی بگوید که هیچ چیز در عالم وجود ندارد که اول صورت اکتسابی داشته باشد، بعد بصورت غیر اکتسابی درآید که اگر چنین باشد نمیتوان به هیچ امر سرشتی در انسان قائل شد.

دلیل دوم یا راه دوم، راه استدلال و روش فلسفی است:

یعنی اگر فرض کنیم که امر اکتسابی به غیر اکتسابی تبدیل میشود ابتدا باید ببینیم که آنچه انسان دارد با اکتسابات پیشین قابل توجهی

قبیل کلیت و جزئیت و مفاهیمی دیگر نظیر علیت و معلولیت و ضرورت و حتی وجود و عدم هیچکدام از این مفاهیم نمیتواند از طریق حواس وارد ذهن شده باشد. فیلسوف معروف دیگر بنام دیوید هیوم که در تحول اروپا نقش اساس داشته و مانند جان لاک هم به نظریه حسی معتقد بوده است، نظریه جان لاک را مورد نقد قرار داده و برخی از علوم را از حواس و برخی دیگر را غیر حواس میداند و می گوید که من فقط به آنچه از راه حواس آمده است، ارزش می نهم و مابقی را کاری ندارم. لذا در قرآن در انحال که از اتقان صنع است سخن از نوعی شعور ذاتی بمیان آمده - ان من شی الا یسیح بحمد و لیکن لاتفقهون تسبیحه - و در عین حال از تمام آنها هم سخن گفته شده است. اکنون که ما حکم بودن خدا را داریم و این عالم را هم دارای نظام میدانیم بوج بودن سخن هیوم را می فهمیم که میگوید نظمیت خدا و مخلوق یکی است و در جای دیگر هم میگوید از کجا معلوم که خدا نظم دهنده است ممکن است نظم در ذات اشیاء باشد

اشکال مطرح شده در عصر جدید در باره تکامل تدریجی موجودات زنده:

اشکال دیگری که در عصر جدید مطرح شده مساله تکامل تدریجی موجودات زنده است و همانطور که میدانید در دنیائی جدید نه قدم، در مورد جاندارها دو نوع نظریه موجود است. نظریه اول که مربوط به قرن هجدهم و نوزدهم است میگویند که همه موجودات جاندار بطور دفعی خلق شده اند و در تائید این نظریه شخصی بنام کرویه میگوید که موجودات جاندار چندین بار خلق شدند ولی در اثر حوادث از بین رفتند و بار دیگر موجودات جاندار تازه ای بجای آنها پیدا شدند اما پس از مدتی این نظریه منسوخ گشت و نظریه دیگری بنام نظریه تکامل تدریجی که به نظریه داروینیسیم هم معروف است، بجای آن نشست. داورین عقیده دارد که موجودات زنده یکبار و دفعی خلق نشده اند و اینکه میان آب و

*** ذهن بایک قدرت شگفت آوری از امور حسی مسائلی را انتزاع میکند و با کمک انتزاع که صرفاً درونی است و نه وابسته به خارج معرفت پیدامیکند.**

نوعش تناسبی نیست بدین جهت است که این انواع بعداً از هم جدا شده اند و نیز میگوید که در ابتدا فقط هفت نوع جاندار بوده است و تنوع و تکامل بعداً صورت گرفته یعنی اول موجود جاندار بسیار ساده ای پدید آمد، سپس آن موجود بصورت تکامل یافته، تحت قوانین انتخاب

جهاد



بعد جدید در انسان است که دریافت شناخت نامیم و این عناصری که در شناخت بکار رفته است با ابعاد پیشین وجود انسان غیر قابل توجه است و اکسایبی نیست

این در حوزه دریافت و شناخت حقیقت است (مقوله ادراک) دوم از مقوله (خواستها) ذکر می کنیم (خواست)

ببینید این مساله آرزو، را بررسی کنیم که آیا آرزو در انسان یک ظرفیت محدودی دارد. اولاً خود آرزو چیست ما یک میل داریم، مانند، میل به غذا داشتن که یک حالت مخصوص است، یا امید که انتظار چیزی را داریم در مقابل ناامیدی. آرزو و یا امل عربی در انسان یک امر عجیبی است در انسان میل و شهوت و خواست هست. اما در حیوان آرزو معنا ندارد که به آینده می بنگرد و در ضمن آرزو در انسان حتی هم ندارد به هر آرزویی می رسد، باز هم به آرزو زنده است

پس انسان با آرزوها زندگی میکند پس وقتی سوال شود که اگر آرزو نقش اساسی دارد چرا مورد مخالفت قرار گرفته و در اسلام با طول امل مبارزه شده است.

باید بگوئیم که برخی آرزوی دراز (طولی) دارند برخی آرزوی سطحی دارد

مجموعه شناخت و عناصری که دریافت شناخت انسان بکاررفته است، نشان دهنده یک بعد جدید در انسان است که آنرا بعد عقلانی می نامیم و این عناصری که در شناخت بکاررفته است با ابعاد پیشین وجود انسان غیر قابل توجه است و اکسایبی نیست.

یعنی هم طول و هم عرض، مثل کسی که در آن واحد چند آرزو دارد مانند آرزوی داشتن ماشین و خانه و زن و پول این آرزوها عریض است آرزوی طویل خط ممند یک جهتی است که مثلاً کسی پول داشته باشد و این پول را سرمایه می کند تا افزایش دهد.

سعدی می گوید تاجری دیدم (آنوقت ها تاجر با همه کشورها رابطه داشت) به تاجری گفتم دیگر تجارت ترا پس است او گفت چشم فلان کارو فلان کار را بکنم تراها کم، یکی هم آرزوی عمقی دارد، اشخاص عالی و اصیل پیامبران و رهبران شایسته آرزوی عالی دارند.

پس انسان از نظر آرزو یک ظرفیت نامحدودی دارد. پس این ظرفیت نامحدود حکایت از بعد بی نهایت انسان می کند پس انسان یک بعد جدید دارد که گنجایش آن غیر از گنجایش محدود مادی است.

مباحثی را که در این جلسات عنوان کردیم راجع به زمینه های پیدایش دین و مذهب بود و بقیه در صفحه ۷۲

اصل تنازع بقا و شرایط زیست در صدها میلیون ها سال بوجود آمد میگوید و یک میلیون سال از پیدایش انسان میگذرد. مادیون استفاده کردند که چه مانعی دارد که این تشکیلات که بعد بوجود آمده اند، یعنی جاندارها نیز طبق تکامل تدریجی کل هستی بوجود آمده اند، احتمال میدهند که پس چرا بر اثر تدریج حاصل شود از لحاظ تصادف و احتمال هم ممکن است منشاء مادی داشته باشد. که بعد اصیل نظریه تکامل ثابت ماند ولی در آن ماده ای که آن ماده مورد استناد مادیون بود تجدید نظر شد و منسوخ شد. تمام اینها برای آن است که بدانیم انسان این کار را تعقلی و تفکری انجام میدهد، خواستم نشان دهم که چقدر پیچیده و مهم است.

که ذهن بایک قدرت شگفت آوری انتزاع می کند از امور حسی و با کمک انتزاع که صرفاً درونی است و وابسته به خارج نیست معرفت پیدا می کند «من جمله کلیت و ضرورت و علیت...» پس شناخت و عناصری که دریافت شناخت انسان بکار رفته است نشان دهنده یک

اسلام عزیز در راه تداوم و قوام خود خونهای پاک و ارجمند بسیاری را تقدیم پیشگاه الهی نموده است. در میان صف بلند شهیدان اسلام یازده ستاره فروزان می درخشد و قامت بلندشان زینت بخش تاریخ سرخ رنگ شیعه است. آن اختران فروزان چیزی جز چهره

تابناک امامان شیعه نیستند. امامان ما اگر چه بنا به مقتضیات زمان و شرایط خاص خویش هر کدام به شیوه ای بار گران رسالت و امامت را در گسترش اسلام بزرگ بدون کشیده اند اما پایان حیاتشان نماز گاه اردن بر سجاده سرخ شهادت بوده است. و این نکته هزاران راز و

رمز در خود پنهان دارد، که تمام امامان شیعه بی استثنای شهید شده اند. شهادت امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) بر تمام مسلمین جهان خصوصا امت شهیدپرور ایران و امام کفر ستیزان تبریک و تسلیت باد.

دین: اکتسابی

بعد بحث کافی درباره فطرت کردیم که این مسائلی فورا مربوط به اصل دین بطور کلی بود. مسائلی خاصه از مسائل مذهب مورد بحث حرکت و فطرت تکیه بر این که دین بطور کلی فطری است بود. از نظریاتی که در این باب مطرح بود که این نظریات مخالف در باب اصل دین بطور کلی بود. اکنون می خواهیم مسائلی را که به عنوان مذهب را مطرح کنیم. البته از این مسائلی مربوط به مذهب خاص اسلام می شود بلکه به همه ادیان توحیدی مربوط است. در این خصوص میان ادیان اشتباهی مسائلی مربوط به خدا و معاد، بخش دوم از این مسائلی خاصه اموری است که به دین خاصه مربوط می باشد یعنی این امور ممکن است برای مسیحتیت مطرح باشد ولی برای اسلام مطرح باشد و بالعکس.

ادامه دارد

نور خدا در....

آنهاست که در خدمت اسلام بودند و دشمنان اسلام آنها را شهید کردند. شما اینهمه شهید دادید، تا آزادی و استقلال را بدست آوردید و باید با جنگ کردن این آزادی و استقلال را حفظ کنید و جنگ کنید همه به جبهه ها تا اینکه انشاء الله دینی این شانله رفع شود و دولت انشاء الله برپا شود. شما اینها را حفظ کنید و تأیید کنید. ان شاء الله. اینها را بیشتر از هر چیز دیگر باید در نظر بگیرید. این جوانان را جوانهای گول خورده را هدایت کند که برگردند به دامن اسلام و بس کنند این فریب خوردگیها را. والسلام علیکم و رحمت الله

کمیته اقتصاد

فروشنندگان غیرصالح در تعاونیها ۳-۱۸. ایجاد ارتباط صحیح بین تعاونیهای روستائی و اتحادیه تعاونیهای شهرستانها و استانها بمنظور مبادله کالا و محصولات کارخانه ای (کشاورزی، دامی و صنعتی) برای قطع کامل عوامل واسطه و سودجو آئین نامه اجرایی واحد وام در ۴ ماده و ۲۶ بند و آئین نامه اجرایی تعاونیها در ۳ ماده و ۳۵ بند به اتفاق اکثریت آراء اعضاء کمیسیون تصویب و در مورد تهیه آئین نامه واحد بیمه نیز مقرر گردید که یکی از برداران جهاد مرکز پس از تماس با سازمانهای ذیربط پیش نویسی تهیه و جهت نظرخواهی به استانها بفرستد. و پس از جمع آوری و جمع بندی نظرات استانها مواد قانونی آن تهیه و تصویب گردد.

طرح دولتی کردن

مانند کود، بنر، سم، ماشین آلات، گازوئیل، گونی و... نیاز خواهد داشت. پیش بینی تهیه برخی از لوازم فوق خارج از اراده بوده و بستگی به شرایط مکانی و زمانی توزیع دارد. ولی در برخی موارد دیگر مثلا تهیه گونی، انجمن اسلامی میتواند هشدارهای لازم را پیش فصل برداشت محصول بدهد تا در هنگام نیاز برداران شالیکار دچار مشکل نشوند.

حرف آخر:

طرح دولتی کردن خرید برنج گامی است در دنباله حرکتهای انقلاب اسلامی ایران، بمنظور موفقیت در این حرکت و بمنظور تأمین شیطان بزرگ و توکران داخلی اش که شایع مالی ضد انقلاب داخلی را ایجاد کرده اند. ما می توانیم خویش را در اجرای صحیح و موفق این طرح بکار ببریم. پیروزی این طرح کلیه دلالهای بزرگ زمینداران بزرگ فتودالها، گروههای

او شهیدی پاک

ولایتی و ایالتی مطرح شد که با این طرح میخواستند سیل جاسوسان و عمال خود را به این عنوان راهی روستا و شهرها کنند تا مقاصد پلید خود را به اجرا بگذارند. آیت الله شیخ حسین غفاری به سهم خود و با مسافرتها و تماسهای پیوسته کوشید که این طرح شکل نگیرد، که خوشبختانه موقتا به علت ترور حسنعلی منصور شکل نمی گیرد.

در سال ۱۳۳۱ شمسی در اوج مبارزات روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، آیت الله شیخ حسین غفاری نیز با تلاش شبانه روزی سهم عمده ای را به عهده گرفت و در سخنرانیهای مستمر خویش کوشید تا هرچه بیشتر جنایات رژیم را افشاء کند.

در محرم سال ۱۳۳۲ که قیام خونین ۱۵ خرداد در حال شکل گرفتن بود آیت الله شیخ حسین غفاری بی وقفه به مبارزه علیه رژیم و روشن نمودن افغان مردم ادامه داد و بالاخره دشمن نیز که او را مفید برای جامعه تشخیص داده بود دستگیر و زندانی کردند، بازها پاهایش را تازیانه زدند و پاهایش را روغن زیتون جوشان قرار دادند، و سرانجام وقتی که استخوان جمجمه اش را با مته سوراخ میکردند در زمان شکنجه او به شهادت رسید....

در تمام این بازجوییها این پیرمرد مبارز را تا سرحد مرگ شکنجه دادند و تنها کلماتی که از دهان او خارج میشد توسل به موسی بن جعفر بود و برآستی که او چقدر شباهت با آن امام مظلوم داشت.

سیاسی وابسته، شرقیها و غربیها را که چشم انتظار تضعیف و یا شکست انقلاب ما هستند مایوس کرده و نوید اجرای طرحهای اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بشارت خواهد داد. والسلام